

جوانان و مناسبات نسلی  
شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص ۸۴-۶۹

## تأثیر هویت ملی در پیوند نسلی

بهادر امینیان\*

### چکیده

مقاله حاضر می‌کوشد مسئله و اهمیت بحث گسست نسلی را برای کشوری که در طول هزاران سال به‌رغم تهدیدات متعدد و جنگ‌های گسترده با این مسئله روبه‌رو نبوده، بررسی کند و خطرهای آن را مشخص نماید. در پاسخ به این خطرها، بحث هویت ملی مطرح می‌شود که در طول یک دوره طولانی پدید می‌آید و نقش اساسی در پیوند و انسجام ملی (و جلوگیری از گسست نسلی و همچنین گسست قومی، زبانی، نژادی و ...) ایفا می‌نماید. در این فرایند بحث‌هایی همچون انواع هویت‌ها در جهان معاصر، نقش ملت‌سازی و عناصر منسجم‌کننده هویت ملی مورد بررسی قرار می‌گیرد و دیدگاه‌های مختلف در تعریف هویت ملی ایران و پیامد و تأثیر و خطرات هر دیدگاه عنوان می‌شود و کوشش می‌کند عناصر و خطرهای مقوم و گسست هویت مشخص گردد. در پایان نیز به نتیجه‌گیری و عرضه پیشنهادهایی پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: پیوند نسلی، گسست نسلی، هویت ملی، هویت.

## مقدمه

ایران کشوری با هزاران سال تاریخ پرنشیب و فراز است که به دلیل موقعیت جغرافیایی و ژئوپلیتیک و مسائل فرهنگی همواره در طول تاریخ مورد تهاجم قبایل، اقوام و کشورهای دیگر بوده و یا خود با آنها در جنگ و کشمکش بوده به گونه‌ای که کمتر دورانی از این تاریخ طولانی دوران آرامش و صلح بوده است.<sup>(۱)</sup>

ایران در دوران ضعف زمامداران بیشتر مورد تهاجم قرار می‌گرفته و در مواردی اشغال شده است،<sup>(۲)</sup> ولی در طول تاریخ همواره کیان و تمامیت خود را حفظ کرده و تداوم بخشیده است و انسجام مردم حفظ شده است. تلاش، کوشش و ابتکار ساکنان این مرز و بوم باعث تداوم ملت در طول هزاران سال کشمکش و جنگ و اشغال بوده است. هجوم رومی‌ها و سلطه مقدونی‌ها تأثیرات پایدار و طولانی مدت نداشت، در اشغال ایران به دست اعراب (گر چه با پذیرش اسلام به دست ایرانی‌ها همراه گردیده که این دین را بر حق تشخیص داده و آن را مطابق فطرت و حتی کامل‌تر از ادیان خود دیدند ولی) فرهنگ و تمدن ایرانی به خدمت اسلام درآمد و ضمن عرضه خدمات گسترده، خود به موتور محرکه فرهنگی جهان اسلام تبدیل شد (مطهری، ۱۳۶۰). تهاجم تدریجی اقوام ترک‌زبان از نواحی شمال شرق و سپس مغول‌ها هر چند باعث تضعیف فرهنگ قدرتمند ایران شد، اقوام مهاجم خود مقهور قدرت آن فرهنگ و حتی مروج ادبیات آن شدند و کلیت ایران و عناصر قوام دهنده و هویت‌ساز آن پایدار ماند، حمله سایر اقوام و کشورها مانند تاتارها، افغان‌ها، ازبک‌ها، عثمانی‌ها و ... نیز نتوانست هویت ایرانی را دچار گسست نماید. هویت ایرانی حفظ شد و خود را بر دیگران تحمیل کرد و یا دیگران را بخشی از خود نمود.

تحولات جهانی چند قرن اخیر و هجوم کشورهای غربی، پرتغالی‌ها، روس‌ها، انگلیسی‌ها (و سپس آمریکایی‌ها) به اشغال و تقسیم ایران به دست آنها منجر گردید و بخش‌هایی از پیکره ایران جدا گردید ولی دوام عناصر پیش گفته و همچنین سیاست‌های بین‌المللی تداوم ایران و ایرانی را باعث گردید و دست کم گسست نسلی و قومی رخ نداد. اکنون مسئله این است که هر چند در این هزاران سال، همواره تغییر و

تحول در نسل‌ها رخ می‌داد ولی چرا مسئله گسست نسلی امروزه باید تا این حد جدی گرفته شود و به عنوان تهدیدی در بقای این ملت با قدمت هزاران سال تداوم قلمداد گردد؟ آیا نگرانی در این مورد صحیح است و چگونه می‌توان با این خطر مقابله کرد؟ پیامدهای پدیده گسست نسلی منحصر به ایران نیست و کشورهای متعددی به ویژه کشورهای مسلمان با آن درگیرند. فرآیند جهانی شدن با شعار یکسان‌سازی فرهنگ جوامع مختلف درصدد ایجاد هویت جدید و یکسانی برای کلیه و در نتیجه ایجاد انشقاق در هویت‌های سابق و فرهنگ آن و هویت جدید با فرهنگ جدید است<sup>(۳)</sup>. هدف و تأکید اصلی جهانی‌سازی نسل جوان است و با ایجاد هویت جدید به نام «هویت جهانی» نسل جدید تحت تأثیر مؤلفه‌های هویت جدید کاملاً متفاوت از نسل قبلی شکل می‌گیرد (این یعنی گسست نسلی).

روند تجدد و غربی شدن و ملزومات آن که از مدتها پیش آغاز شده بود با سیطره بحث جهانی شدن جهت گیری و شتاب و شکل دیگری به خود گرفت و خطر گسست نسلی را نمایان ساخت. این فرآیند با شعار پایان تاریخ و واپسین انسان (فوکویاما، ۱۳۸۱) مدعی ساخت انسان یکسانی در سرتاسر جهان است که ارزش‌ها و اصول واحدی بر آن حاکم است.

البته در کنار خطر ناشی از این فرآیند جهانی (و به تعبیری پروژه جهانی‌سازی با مدیریت کشورهای غربی) باید به منبع دیگری برای نگرانی نیز توجه کرد. همان گونه که بیان شد تداوم فرهنگ و هویت چند هزار ساله ناشی از قدرت، توان، ابتکار و خلاقیت و تلاش نسل‌های گذشته و غنای فرهنگی آنان بوده که این میراث را به ما رسانده‌اند آیا در صورت عدم موفقیت ما در تداوم این میراث، عملکرد غلط و ضعف و ناتوانی ما چهره مقصری از ما ترسیم نمی‌شود؟ به تعبیر دیگر باید به نقد عملکرد خود و تأثیرات غلط آن نیز پردازیم.

به هر حال مسئله این است که هجوم گسترده و قدرتمند خارجی با شعار جهانی‌سازی و عملکرد ناصحیح ما می‌تواند تداوم و انسجام و هویت ملی این کشور را با تهدیدی جدید روبرو سازد و ما نیز باید مشخص سازیم که برای مقابله با این تهدید و برای حفظ هویت خود چه باید بکنیم.

## هویت ملی و نقش آن

هویت به معنای چه بودن و چه کسی بودن و شناساندن و حقیقت و ماهیت چیزی است و در پاسخ چه کسی بودن و چگونه بودن مطرح می‌گردد (قربانی، ۱۳۸۳: ۶۴). و هویت ملی به مجموعه خصوصیات و مشخصات اساسی گروه گفته می‌شود که اعضای گروه را همانند ساخته و آنها را از سایرین متمایز می‌سازد (الطایی، ۱۳۷۸: ۲۳۹). مؤلفه‌هایی همانند تاریخ، زبان، اعتقادات و ارزش‌ها، آداب و رسوم، نهادهای اجتماعی و نژاد که عناصر متشکله فرهنگ یک جامعه هستند. بر اثر گذر ایام برآیند خاصی را به وجود می‌آورند که هویت و روح کلی کشورهاست که این هویت افرادی را با ویژگی‌های خاص تربیت می‌کند (جلالی‌پور، ۱۳۸۲، ۱۴-۱). هویت شکلی از آگاهی به خود، به جامعه، به فرهنگ، به تاریخ و به آینده را القا می‌کند (رجایی، ۱۳۸۲، ۱۴). که نوعی انسجام رفتاری و الگوی یکسان قضاوت و عمل در جمع ایجاد می‌کند. بر اساس تعریف کنفرانس فرهنگی یونسکو «هویت هسته مرکزی شخصیت فردی و جمعی است و اصلی بنیادین است که رفتارها، اعمال و تصمیمات اصلی یک فرد و یا یک جمع را شکل می‌دهد» (سلیمی ۱۳۷۹: ۱۳۵).

در شکل‌دهی هویت هر فرد دو عنصر دخالت دارند: تعریف از خود و تعریف از دیگران و بنابراین هویت و تعریف آن اصولاً در مقابل غیرمطرح می‌شود و گام اول به شکل‌گیری هویت آگاهی به چیستی خویش است و عمده‌ترین مبنای هویت آگاهی به خود و احساس تعلق به آن کلیت است (جمشیدی، ۱۳۸۴، ۳۱-۷ و ۱۵).

امروزه یکی از مهم‌ترین اشکال هویت که اهمیت بیشتری دارد و در تعریف جوامع و ایجاد مرز بین آنها و دیگران نقش اساسی پیدا کرده است هویت ملی است.

ارنست رنان در تعریف هویت ملی معتقد است که دو مقوله آن را می‌سازد، یکی از تاریخ می‌آید و آن داشتن میراثی غنی است و دیگری به امروز وابسته است و آن وجود آگاهی و اجماع مبنی بر اینکه افراد جامعه مصمم هستند به زندگی خود به عنوان کلیت واحد ادامه دهند و ارزش‌های به ارث برده را تداوم بخشند.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای هویت، ایجاد پیوستگی و همانندی است. وقتی این هویت در بین مردم شکل گرفت و اشخاص تحت آن تربیت شدند حفظ یکپارچگی

کشور، ایجاد وحدت، آرمان‌های مشترک و ایجاد انگیزه در مقابله با خطرها و ایثار و جانفشانی در این راه میسر می‌گردد.

تحولات دوران مدرن باعث شد که واحدهای سیاسی به درجه‌ای از شناسایی و مشروعیت شهروندانش نیاز داشته باشد (رجایی، ۱۳۸۲: ۱۲). به تدریج مؤلفه‌های هویتی متعدد جدیدی برای شهروندان جوامع جدید مطرح گردید و در این جوامع، حکومت‌ها مشروعیت را از طریق مردم کسب می‌کردند و مردم هویت خود را از جوامعی که در آن رشد و نمو پیدا کرده بودند اخذ می‌کردند. بنابراین هویت ملی، به معنای ایجاد این آگاهی که مردم به یک کلیت خاص تعلق دارند با هم تصمیم می‌گیرند و با هم عمل می‌کنند و در عرصه عمل نیز یکپارچه رفتار می‌کنند (میلر، ۱۳۸۲: ۳۱).

امروزه چندین هویت جمعی در جوامع بشری ایجاد شده که هر یک پیامدهای خاص خود را دارد این هویت‌ها عبارت‌اند از:

۱. هویت مدرنیته که فرآیند جهانی شدن در پی جهانگیر شدن آن است. این هویت مبتنی بر ارزش‌های لیبرالیستی غربی است.

۲. هویت بنیادگرایان، متحجرانه. این رهیافت در پی احیای فرهنگ‌های سنتی پیشین و رجوع به بنیادها و شکل‌های قدیمی فرهنگ‌ها و مذاهب است و امروزه در اغلب ادیان ظهور یافته است (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۳۲).

۳. هویت ناسیونالیستی شووینیستی، تبارشناسانه و مبتنی بر برتری نژاد و قومیت خاص (میلر، ۱۳۸۲: ۱۵).

۴. هویت قدسی، ملی این دیدگاه با نوعی اعتماد به خود اصیل و اعتقاد به حقیقت برتر به برتری سنت مقدس در فرهنگ‌های مذهبی بشری معتقد است.<sup>(۴)</sup>

همان‌گونه که مشخص است هر یک از تعاریف فوق، هویتی خاص به افراد می‌بخشد و اتخاذ هر یک از تعاریف فوق پیامدهای مثبت و منفی برای پیوند و انسجام جامعه دارد که در بخش ایران به طور عینی‌تر بحث خواهد شد.

مؤلفه‌ها و عناصر سنتی و مدرن منسجم کننده هویت ملی عبارت‌اند از: مشترکات قومی، نژادی، تاریخ مشترک، دردها و رنج‌های مشترک و امتیازات و افتخارات مشترک، ادبیات و زبان مشترک، جنگ و پیروزی، تهدید و تصور تهدید

مشترک و امید به آینده مشترک، آگاهی و احساس تعلق و تعهد به یک چارچوب مشخص (و یا حتی انتزاعی).

به علت اهمیت و تأثیر هویت ملی در انسجام اجتماع و پیوند مردم و نسل‌ها و اقوام مختلف و یکپارچگی ملی و نقش مستقیم آن در توسعه سیاسی و اقتصادی جوامع است که کشورها تثبیت می‌شوند و ارائه هویت واحد را در دستور کار خود قرار داده‌اند و در فرآیندی به نام «ملت‌سازی» می‌کوشند با عرضه یک تعریف واحد از ملت خود و مقبول و مشروع ساختن آن تعریف، ملت منسجم و متحدی ایجاد نمایند (Ottaway, 2002). تأثیر این فرآیند تا حدی است که کشورهای اشغالگر نیز می‌کوشند با کنترل آن، در روند شکل‌گیری ملت به گونه‌ای مناسب منافع خود در ملت تحت اشغال دخالت مؤثر داشته باشند.<sup>(۵)</sup>

ملت‌سازی فرآیند یا پروسه‌ای است که در طول آن نسل‌ها و اقوام مختلف ساکن یک سرزمین احساس کنند به یک کلیت واحد وابسته هستند و عناصر مختلف فیزیکی، روحی و روانی احساس تعلق در آنها ایجاد و این احساس تعلق آنها را در یک چارچوب مجتمع سازد. این فرآیند همیشه در جریان است و همواره عواملی ایجاد و یا ظاهر می‌گردد که این احساس را تضعیف و یا تقویت می‌کنند. لازم به ذکر است که ملت‌سازی با هدف تعریف و پذیرش یک هویت مستقل پیگیری می‌گردد. در این چارچوب مفهوم هویت بر پایه یکپارچگی فرهنگی و یا هنجاری تعریف می‌شود. ادعاها در زمینه اشتراک نمادهای ملی (میراث باستانی، سنت‌ها، اتحاد قومی و...) آن قدر تأثیرگذار هستند که در مواردی قدرت‌ها می‌کوشند با ایجاد و ساخت نمادهای مصنوعی نوعی پیوند بین مردم ایجاد کنند. در مجموع نمادهای ملی مبانی روان‌شناختی مهمی برای احساس هویت محسوب می‌شوند (شادسن، ۱۳۷۳: ۷۵۹).

در این فرآیند، ملت‌سازی با تکیه بر دو نوع عامل شکل می‌گیرد:

۱. عوامل و عناصر عینی: این عناصر که مشهود و مشخص هستند در شکل‌گیری، تکامل و تطور هویت‌ها نقش دارند و مسائلی چون اشتراک در نژاد، زبان، قومیت، مذهبی، فرهنگ و ... را شامل می‌شود.

۲. عوامل و عناصر روانی: در این بخش بر ابعاد روانی هویت تأکید می‌گردد. گرچه عناصر عینی ملموس و قابل اندازه‌گیری است ولی عوامل روانی نقش بیشتری در شکل‌گیری، استحکام و تداوم هویت ملی ایفا می‌کنند. عوامل روانی همانند احساس درد و رنج و افتخار تاریخی مشترک و به ویژه امید به آینده مشترک در بسیاری از موارد از مهم‌ترین عوامل شکل‌گیری هویت و همبستگی مردم یک کشور و خودکشور هستند. عنصر زیستن مستمر به عنوان یک ملت در یک چارچوب سرزمینی مشخص و تکامل کشور و ملت تأثیر غیرقابل انکاری دارد.

حتی کشورهایی که عوامل عینی مشترکی ندارند با اتکا به عناصر روانی به ملتی با ثبات و با هویت مشترک و منسجم تبدیل شده‌اند. کشورهایی چون آمریکا، سوئیس و ... مثال‌هایی هستند که مردمی با نژاد، قومیت، مذهب و ... به صورت یک ملت یکپارچه در آمده‌اند.<sup>(۶)</sup> امروزه کشورها از ابزار و عناصر گسترده‌ای برای ایجاد و تقویت هویت مشترک و منسجم استفاده می‌کنند که آموزش و پرورش، رسانه‌ها و به ویژه رادیو و تلویزیون، ارتش<sup>(۷)</sup>، تبلیغات و جنگ روانی، مذهب، تاریخ و اسطوره‌های تاریخی، زبان یکپارچه ... و نخبگان نقش ویژه‌ای در این فرآیند ایفا می‌نمایند و در اغلب این موارد نقش دولت غیرقابل انکار است. علاوه بر مؤلفه‌های ذکر شده در تعریف هویت ملی باید بر نقش آگاهی در هویت ملی که امروزه سلطه و مرجعیت گسترده‌ای پیدا کرده نیز تأکید کنیم.<sup>(۸)</sup> البته با تأکید بر این مؤلفه‌ها باید توجه داشت که هویت ملی پدیده‌ای متزلزل و چند وجهی است که هنوز معنا و تصور دقیقاً مشخصی از آن ارائه نشده است (خانیکی، ۱۵۴: ۹).

### هویت ایرانی و نقش آن در پیوند میان نسل‌ها

هر چند هنوز تعریف دقیق و قابل پذیرشی از هویت ملی و هویت ایرانی عرضه نشده است، در تعریف هویت ایرانی دیدگاه‌های مختلفی با پیامدها و تأثیرات متفاوتی وجود دارد. دیدگاهی که ده‌ها سال است در ایران طرح می‌گردد بر مباحث نژادی و قومی تأکید می‌کند و هویت ملی را به هویت قومی فرو می‌کاهد. دیدگاه جامع‌تری در این

پارادایم مطرح می‌شود که عناصر شکل دهنده هویت ایران را زبان فارسی و نوع حکومت قرن‌های متمادی ایران قلمداد می‌کند.<sup>(۹)</sup> در همین چارچوب نیز دیدگاه‌های پسامدرن، شکل‌گیری و تعریف هویت را به طرزی دیگر تفسیر می‌کند. این دیدگاه‌ها با پرهیز از دخالت عوامل طبیعی، روانی و اجتماعی هویت را به طور عمد متاثر از ادبیات، زبان‌شناسی و معنانشناسی می‌داند. از دید آنها، در فرایندی هرمنوتیک، مهم‌ترین عامل شکل دهنده هویت، روایتی است که هر فرد از زندگی خود می‌کند.<sup>(۱۰)</sup> این داستان زندگی با کمک داستان‌های متداول در فرهنگ مسلط تفسیر می‌شود. پل ریکور یکی از نظریه‌پردازان این دیدگاه علت اصلی پیوستگی زمانی و ثابت ماندن شخص در طول زمان را به این مهم مربوط دانسته و معتقد است؛ با درک میزان انسجام هویت هر فرد می‌توان گفت آینده او به هویتش بستگی می‌یابد. روایت مرز زبان و مکان را پشت سر می‌گذارد و ارتباط درون نسلی و بین نسلی را میسر می‌سازد و هویت‌های فردی را به هویت جمعی تبدیل می‌کنند. عده‌ای زبان و تاریخ را ستون هویت ایرانی قلمداد می‌کنند.<sup>(۱۱)</sup>

شهید مطهری نیز از اندیشمندانی است که این مسئله را مدنظر قرار داده و بدان عنایت زیادی داشته و با ارائه کتاب *خدمات متقابل اسلام و ایران* کوشش کرد ضمن اصلاح دیدگاه‌های انحرافی و جلوگیری از افراط و تفریط‌های زمان خود ابعاد سازنده مسئله هویت ملی را نیز مشخص کند و کوشید نقش مؤثری در تعریف و تثبیت هویت ملی ایرانیان داشته باشد. شهید مطهری بر ملیت و وجود درد مشترک در تکوین هویت ملی و مشترکاتی چون زبان، نژاد، سنن، اقلیم و جغرافیا و دین تأکید می‌کند.<sup>(۱۲)</sup> و دو عنصر اصلی یعنی ایرانی بودن و علاقه به اسلام را مطرح می‌کند که هر دو با هم تحول یافته‌اند و هویت دو رویه‌ای برای ایرانیان ایجاد کرده‌اند.

علاوه بر موارد فوق (یعنی اسلام و ایران) عده‌ای نیز عناصری همانند تجدد<sup>(۱۳)</sup> و سنت را عنوان عناصر متشکله هویت ملی ایرانی طرح می‌کنند (رجایی ۱۳۸۲: ۶۸). به هر حال هویت ایرانی با توجه به مؤلفه‌های سنتی و مدرن پیش گفته برخلاف بسیاری از هویت‌های صنعتی و در حال ساخت از سوی کشورها و برای ملت‌های دیگر، دارای عناصری همچون تاریخ مشترک مکتوب (و شفاهی)، اسطوره‌های ملی و مذهبی قابل پذیرش در بین همه، دردها و رنج‌ها و افتخارات، زبان غنی و کامل، فرهنگ و دین



ایدئولوژی و ارزش‌ها، مراسم و آداب و سنت‌های ملی و تاریخی، آگاهی و احساس تعلق قدرتمند و ... است که تداوم و تأثیر آن بیش از هر هویت دیگری در منطقه و جهان مطرح است. توجه و اشاره به لیست عناصر مثبت متشکله هویت ملی ایران قابل توجه است.<sup>(۱۴)</sup>

تاریخ هزاران سال وجود هویت مستقلی در فلات ایران دست کم در وضعیت ایران فعلی و احساس تعلق قدرتمند موجود در همه نسل‌ها و قومیت‌های موجود در کشور به این موجودیت (و حتی در برخی از اقوام و گروه‌های خارج از کشور)، تداوم دولت در این جغرافیا، مسائل فرهنگی چون اهمیت و اعتقاد به اسطوره‌های مذهبی همانند واقعه مهم کربلا و قهرمانان آن، نقش اسطوره‌های ملی و تاریخی همانند رستم، آرش کمانگیر، کاوه آهنگر، آریو برزن که تأثیر روحی، روانی و یکپارچه‌کنندگی گسترده‌ای دارند، تألم همه ایرانیان از فجایع حمله مغول و افغان و روس و انگلیسی و بعثی، افتخارات و چهره‌های درخشان علمی، فرهنگی و ادبی همانند ابن سینا، رازی، خواجه نصیر، مولوی، حافظ و فردوسی و سعدی و زبان فارسی با ادبیات غنی و جامعه که به عنوان پشتوانه محکمی آن را یکی از کامل‌ترین و مهم‌ترین زبان‌های ادبی جهان تبدیل کرده<sup>(۱۵)</sup> و بویژه شاهنامه و اسطوره‌های آن نقش تعیین‌کننده‌ای در هویت ایرانیان ایفا می‌کند هر چند نمی‌توان از دیوان حافظ، مثنوی مولوی و گلستان سعدی نیز صرف نظر کرد.<sup>(۱۶)</sup> ایرانیان یکی از فرهنگی‌ترین و مذهبی‌ترین ملت‌های دنیا هستند که اعتقادات و ارزش‌های مشترک که بویژه در مناسبت‌های مذهبی اهمیت خود را به رخ می‌کشد نقش یکپارچه‌کنندگی نسل‌های مختلف را به خوبی ایفا می‌کند و همچنین آداب و رسوم و سنت‌های ملی همچون آداب عید نوروز، سیزده بدر، شب یلدا و ... و احترام و اکرام بزرگان هنوز عنصر پیوند دهنده مقتدری محسوب می‌گردد.

همچنین نباید خاطرات زنده و جدید یک کشور در حماسه‌های ملی را فراموش کرد. اندیشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسی معتقدند که موفق‌ترین و متشکل‌ترین ملت‌ها توسط جنگ ساخته شده‌اند (آمریکا، ژاپن، آلمان، فرانسه و ...) (Ottaway, Op. Cit.) و ایران و نسل‌های آن نیز خاطره بسیار ارزشمندی از جنگ و دفاعی را در ذهن دارد که برای نخستین بار در طول دویست سال اخیر سرفراز و پیروز از آن بیرون آمد و موفق شد برای اولین بار با تمام توان از ارزش‌ها و حاکمیت و تمامیت ارضی خود دفاع کند.<sup>(۱۷)</sup>

وجود دشمنان و خطر متصور از طرف دشمن تهدید کننده، نیز همواره نقش یکپارچه کننده و هویت‌ساز برای ملت‌ها ایفا کرده‌اند و مقاومت در برابر آنان افتخار ملی و انسجامی فراهم می‌سازد و همچنین امید به آینده مشترک نیز یکی از مهم‌ترین عوامل روانی هویت‌ساز محسوب می‌گردد. مجموعه موارد فوق باعث شد که نوعی احساس تعلق به کلیتی به نام مردم ایران در بین تک تک آحاد این سرزمین گسترش یابد و این آگاهی و احساس نوعی تعهد به کشور هم ایجاد می‌نماید.

حال با توجه به مجموعه موارد فوق که تنها به صورت سرتیتر آورده شده باید اذعان کرد که ایرانیان از ارزشمندترین پشتوانه‌های هویتی برای مقابله با گسست نسلی بهره‌مند هستند و بر سر این گنج منحصر به فرد نباید از فقر و خطر هراسی به دل راه داد.<sup>(۱۸)</sup> در مجموع باید در نظر داشت که فرهنگ و هویت ایجاد همبستگی میان اعضای یک جامعه را تسهیل می‌کند و باعث می‌گردد که اعضای آن سمبل‌ها، ارزش‌ها، باورها و ... را در تعریف خود دخالت دهند.

### نتیجه‌گیری

مباحث مطرح شده در صفحات پیشین نتیجه‌گیری را ساده و پیشنهادها را مشخص نموده است. بحث گسست نسلی را به دو دلیل باید بسیار جدی گرفت: نخست آنکه تلاش جهانی از طرف فرهنگ مهاجم و قدرت سیاسی - اقتصادی و نظامی پشتوانه آنکه از ابعاد نرم افزاری قدرت بهره‌مند است<sup>(۱۹)</sup> و از آن به خوبی با قدرتمندترین ابزار، فناوری و شیوه‌ها برای یکسان‌سازی فرهنگی و غلبه بر مقاومت‌ها و کانون‌های مقاومت حمایت می‌کند.<sup>(۲۰)</sup> این فرآیند درصدد جذب نسل‌های جوان در جوامع سنتی و دارای فرهنگ مستقل است و در این راه تا حدی و در برخی جوامع موفق بوده است. اصولاً شعار فرآیند جهانی شدن با گسست نسلی ملزوم است.

و مسئله دوم این نگرانی به عدم استفاده صحیح از سرمایه‌های موجود خودی، تخریب برخی از آنان و عملکردهای غلط نهادهای فرهنگی مربوط می‌گردد.

با توجه به نقش هویت ملی در ایجاد پیوستگی و انسجام نسل‌ها باید این عامل را به عنوان عناصر ایجاد کننده هویت ملی (ایران، اسلام، سنت و تجدد) تاحدی قدرتمند و

مؤثر هستند که می‌توانند مشکلات بزرگی را از سر راه این ملت بردارند ولی چند مسئله در این مورد (که تاکنون می‌توانسته ایجاد درد سر کند و قدرت آن را کاهش داده و حتی آن را به بحران تبدیل نماید) قابل توجه است. یکی از مسائل ناسازگاری بین عناصر ایجاد کننده هویت و لزوم هماهنگی و انسجام و عدم تناقض بین عناصر متشکله هویت ملی ایرانی است که نیاز به دقت و ظرافت خاص خود دارد و افراط و تفریط در هریک برای دیگری مشکل‌ساز خواهد بود.

مسئله مهم دیگر که قابل توجه است هماهنگی و به خدمت گرفتن یکی از اجزای متشکله هویت ملی با فرآیندی است که به عنوان مشکل‌ساز از آن نام بردیم. عنصر تجدد و حضور زنده و زاینده و پویا در جهان امروز و تعامل با جهان فارغ از مدرنیته و تحجر باشد اگر به درستی هدایت و مدیریت نشود می‌تواند عامل منحرف کننده در عناصر متشکله هویت ملی باشد که باید بدان توجه کرد.

بنابراین به عنوان پیشنهاد باید به موارد زیر دقت کرد:

۱. هویت ملی را به عنوان مهم‌ترین عنصر پیوند دهنده اقوام و امری انسجام بخش قلمداد کنیم و بر عناصر متشکله و منسجم کننده هویت ملی تأکید بیشتر و مؤثرتری داشته باشیم ادبیات و فرهنگ نسل جدید در این راه را در نظر داشته باشیم.
۲. فرآیند ملت‌سازی را جدی بگیریم و در آن سرمایه‌گذاری کنیم و به ویژه برای نسل‌های جدید مباحث هویت ملی در عالی‌ترین رده‌های تصمیم‌گیری هماهنگ و بر اساس برنامه‌هایی اجرا و نظارت گردد. نهاد مناسب این مسئله ایجاد گردد. نهادهای تأثیرگذار در ملت‌سازی مشخص گردد و هماهنگی لازم در چارچوب یک مفهوم کلی و جامع انجام پذیرد و وظایف هر یک مشخص شود.
۳. در این فرآیند نگاهی ملی داشته باشیم و از شووینیسم و ناسیونالیسم افراطی پرهیز کنیم. در فرآیند ملت‌سازی به ابزارهای نوین (به طول مثال ورزش و مسابقاتی همانند مسابقات تیم ملی فوتبال) و تأثیر جدی آن توجه داشته باشیم.
۴. هویت ملی دارای دو لایه تداوم و تغییر است؛ بنابراین باید بر عناصر ثابت و مدام اصرار ورزیم و از ایجاد تحول نهراسیم.
۵. خطر حرکت‌های فرقه‌ای و گریز از مرکز را به ویژه در مناطقی که عقبه‌ای در

۶. خارج از کشور دارد و از سوی آنها حمایت می‌شود جدی بگیریم.
۶. از افراط و تفریط در هر یک از چهار عنصر (اسلامی بودن، ایرانی بودن، سنت و تجدد) بپرهیزیم.
۷. از شکل ایدئولوژیک دادن به مسائل ملی بپرهیزیم و زمینه پذیرش آن برای نسل جدید را فراهم سازیم.
۸. برای حضور پویا و زنده در جهان جدید برنامه‌ریزی مناسبی داشته باشیم.
۹. از کلیه سرمایه و داشته‌های خود در این عرصه برای پیوند نسل‌ها بهره بگیریم.

### پی‌نوشت

۱. دایرةالمعارف آراز که به تاریخ جنگ‌ها اختصاص دارد به نوعی به ایران مربوط می‌شود.
  ۲. ایران در موارد قدرت و برتری نیز به توسعه قلمرو می‌پرداخته و خود با دیگران به جنگ می‌پرداخته است.
  ۳. پدیده جهانی شدن از مهم‌ترین مسائل فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جهان در دوران معاصر است که هزاران کتاب و مقاله در مورد آن در دسترس می‌باشد به طور نمونه بنگرید به:
    - Robert Holton, Globalization and the Nation- State (McMillan: Press, 1998).
    - John Baylis & Steve Smith. The Globalization of World Politics (Oxford: Oxford University Press, 2001)
- همچنین از انبوه منابع فارسی بنگرید به:
۶. محمود سلیمی، «جهانی شدن: تمدن‌ساز یا مخرب»، روزنامه جام جم ۲۳ بهمن ۷۹، ص ۶.
  - محمد قراگوزلو، «جهانی شدن»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۸-۱۷۷، ص ۸۳.
  ۴. نگاه کنید به: قدیر نصری، «هویت قدسی تأملی در رهیات هویت شناختی سید حسین نصر»، مجله مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، ص ۵۶.
  ۵. به طور مثال آمریکا پیروزی خود در آلمان و ژاپن تحت اشغال پس از جنگ جهانی را ملت‌سازی مؤثر و رسالت خود در عراق فعلی را ملت‌سازی می‌نامد، بنگرید به:
    - James Dobbins, America's Role in Nation- building: From Germany to Iraq, Survival, Vol.45. No.4 (Win 2003-4), PP.87-110.
    - Amitai Etzioni, "A Self- restrained approach to Nation- building by Foreign Powers". International Affairs, Vol.80, No.1 (Jan 2004), PP1-17.
  ۶. ساموئل‌هانیتنگتون در کتاب خود به بررسی عوامل شکل‌گیری هویت آمریکایی و چالش‌های آن پرداخته است ر.ک. ساموئل‌هانیتنگتون، چالش‌های هویت در آمریکا،

- ترجمه، گلشن پروژه و دیگران، تهران، نشر ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۷. در بسیاری از کشورهای اروپایی به ارتش «مدرسه ملت‌سازی» گفته می‌شده است. ر.ک: Ronald R. Krebs, "A School For the Nation", *Intrnational Securit*, Vol.28, No.4 (Spr 2004) PP.85-124.
۸. برای مطالعه بیشتر در این مورد ر.ک: سیدرضا شاکری، «رابطه آگاهی و هویت»، در هویت در ایران، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳، صص ۲۵۹-۲۴۱.
۹. ذبیح‌الله صفا زبان فارسی و نماد شاهنشاهی را دو عنصر اصلی هویت ایران طرح می‌کند. البته هر دو عنصر از مقولات ابزاری هستند که در تاریخ تداوم نداشته‌اند. ر.ک: رجایی، پیشین.
۱۰. این رویکرد در این منابع ذکر شده است:
- بهزاد دوران، «گفتمان‌های هویت در ایران با تأکید بر هویت‌های ملی و دینی»، «آموزش و پرورش و گفتمان‌های تربیتی» (۱۳۸۳).
- بهزاد دوران و منوچهر محسنی، «هویت، رویکردها و نظریه‌ها»، در مبانی نظری هویت و بحران هویت، به اهتمام علی‌اکبر علیخانی، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، ۱۳۸۳، صص ۱۴۵-۸۱.
۱۱. برای بررسی نقش زبان در هویت ایرانی منابع متعددی وجود دارد از جمله بنگرید:
- شاهرخ مسکوب، هویت ایرانی و زبان فارسی، تهران، انتشارات باغ آینه، ۱۳۷۳.
- اولریش مازرولف، شاهنامه و هویت ایرانی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۲. قدرت‌الله قربانی، «هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری»، فصلنامه مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۸۳، ص ۷۷.
۱۳. در مورد بحث تجدد و حضور زنده و پویا در مسائل روز جهان این منبع مطالب خوبی ارائه می‌کند:
- سیدجواد طباطبایی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، تهران، دفتر مطالعات وزارتخانه.
۱۴. علاوه بر موارد ذکر شده این منابع نیز در مورد هویت ایرانی و عناصر سازنده آن بحث کرده و اطلاعات مفیدی ارائه داده‌اند:
- شاپور رواسانی، زمینه‌های اجتماعی هویت ملی، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۰.
۱۵. زبان به عنوان اساسی‌ترین وسیله ارتباط جمعی میان انسانها خود نوعی پیوند مقدسی است که از بار فرهنگی و سیاسی برخوردار است و شکل‌گیری هویت و دولت ملی را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد. گلز معتقد است که «انحصار زبان مشروع در دست دولت

مهم‌تر از انحصار خشونت است» ر.ک: شادسن، پیشین، ص ۷۶۲.

۱۶. زبان فارسی از چنان میراث غنی و گسترده‌ای برخوردار است که هنوز در اقصی نقاط جهان از اروپای مرکزی تا شرق آسیا می‌توان گسترش و نفوذ آن را به عینه مشاهده نمود. منابع متعددی در مورد گسترش زبان فارسی در مناطق مختلف جهان وجود دارد. به طور مثال بنگرید به:

محمد امین ریاحی، زبان و ادب فارسی در قلمرو عثمانی، تهران، نشر پازنگ، ۱۳۷۹.  
۱۷. ادبیات علمی نسبتاً غنی در مورد نقش دفاع مقدس در هویت ملی ایرانی تولید شده است از جمله بنگرید به:

سیدحسن ولی پور زرومی، «هویت ملی و دفاع مقدس»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳ (۱۳۸۴) صص ۹۹-۱۲۳ و رمضان شعبانی روئی، «استراتژی دفاع مردمی و تأثیر هویتی آن» در فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳ (۱۳۸۴) صص ۱۴۵-۱۲۳.

۱۸. نویسنده‌ای با ذکر بخشی از اجزای عینی این پشتوانه‌ها که در حافظه نسل جدید متبلور شده آن را فرصتی قابل توجه می‌داند وی این عناصر را بدین گونه بر می‌شمارد: «این نسل برآمدن انقلابی را به چشم دیده که از زمان انقلاب کبیر فرانسه همانند آن بروز نکرده، این نسل نزدیک به یک دهه جنگ و پیامدهای آن را در همه حوزه‌ها دید و طعم آن را چشید. تمامیت ارضی از دیده او مفهومی انتزاعی نیست. زیرا برای حفظ آن قربانی داده و آن را با چنگ و دندان حفظ کرده است. این نسل پس از نزدیک به دو قرن طعم پیروزی ملی چشید ... فروپاشی نظام ۲۵۰۰ ساله و پایان یافتن آن را مشاهده کرد. از بعد از قرن نسلی فعلی ایران مرگ رهبر کشور را در اوج قدرت در درون کشور و باعلت طبیعی احساس کرد. (تمامی فرمانروایان ایران پس از مظفرالدین شاه در غربت و در خضیض قدرت جان باختند) و بالاخره نسل حاضر انقلاب اطلاعاتی را فقط تجربه کرده و خود از عاملان و بازیگران آن است» اختصار به نقل از رجایی، پیشین، ص ۲۴۵، البته موارد متعدد و متأخر دیگری هم می‌توان به این لیست افتخارات نسل جدید که به وی احساس استقلال، غرور و هویت می‌دهد اضافه کرد.

۱۹. برای مطالعه یک منبع در مورد تعریف و ابعاد شاخصه‌های قدرت نرم و به کارگیری آن در سیاست جهانی بنگرید به:

Joseph Nye, *Soft Power: The Means to Success in World Politics* (New York: Public Affairs Pub., 2004).

۲۰. مهم‌ترین مقاومت‌ها در برابر پدیده جهانی شدن را مذهب، ناسیونالیسم و بنیادگرایی عنوان کرده‌اند.

## منابع

بشیریه، حسین (۱۳۷۹) نظریه‌های فرهنگ در قرن بیستم، تهران، انتشارات پویان.  
جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۷۲) هویت ملی و اقوام ایرانی در عصر خیزش قومیت‌ها، مجله سیاست خارجی، بهار.  
جمشیدی، فرانک (۱۳۸۴) هویت، روایت و جنگ، در فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۳.

رجایی، فرهنگ (۱۳۸۲) مشکله هویت ایرانیان امروز، تهران، نشر نی.  
سلیمی، حسین (۱۳۷۹) هویت‌یابی: جریان سرنوشت ساز در میان مسلمان بالکان، در قدسی محمد، تحولات منطقه بالکان، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.  
شادسن، مایکل (۱۳۷۳) «فرهنگ و یکپارچه‌سازی جوامع ملی» مجله سیاست خارجی.  
الطایی، علی (۱۳۷۸) بحران هویت قومی در ایران تهران، نشر ستارگان.  
فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۱) پایان تاریخ و واپسین انسانی، مجله سیاست خارجی.  
قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳) هویت ملی از دیدگاه استاد مطهری، مجله مطالعات ملی، سال پنجم، شماره ۲.

مطهری، مرتضی (۱۳۶۰) خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، انتشارات صدرا.

میلر، دیوید (۱۳۸۲) ترجمه داود غرایاق زندی، تهران، انتشارات تمدن ایرانی.

Marina Ottaway (2002) "Nation Building", *Foreign Policy*, (Sep/ Oct 2002).  
Paul Verme, "Religious Identity Formation", *International Journal of Education and Religion*, Vol.II. No.2, pp.107-125.